

نقط المصاحف

کتاب المحکم فی نقط المصاحف از تصنیفات عثمان بن سعید بن عثمان عمر الاموی معروف به ابن الصیرفی و مکنی به ابو عمرو است او اهل قرطبه از بلاد اندلس است . سال تولدش را ۲۷۱ یا ۲۷۲ نوشته اند . ابو عمرو در شهر قرطبه که در قرن چهارم هجری مرکز علم و فرهنگ بود شروع بتحصیل کرد ولی بواسطه نامناسب بودن محیط بفکرافتاد که بکشورهای شرق سفر کند و از تربیت علما و دانشمندان مشهوری که در آن روزگاران در مشرق می زیستند برخوردار شود. یاقوت در معجم الادباء آورده است که ابو عمرو در باره مسافرتش چنین میگوید : «من در محرم سال ۳۹۷ هـ عازم مشرق شدم . چهار ماه در قیروان ماندم و بعد به مصر رفتم در آن شهر قرآن و حدیث و فقه را از جماعتی که اهل مصر و بغداد و شام بودند فرا گرفتم .

سپس به حج رفتم از آنجا به قیروان برگشتم و در ذی القعدة سال ۳۹۹ هـ با اولین فتنه بزرگ که در اندلس ظهور کرده بود مواجه گردیدم» . چون ابو عمرو به اندلس برگشت مردی دانا و ادیبی توانا و ماهر بود و چون در سال ۴۰۲ آشوب و انقلاب در قرطبه ظهور کرد و این شهر جای مناسبی برای او نبود بشرق اندلس مسافرت کرد و مدت هفت در شهر سرقسطه توقف کرد و سپس از آن جا در سال ۴۰۹ هـ به دانیه رفت . و هم در همان سال به میورقه سفر و پس از هشت سال اقامت دوباره به دانیه برگشت .

چون ابو عمرو دانیه را بمللی که ذکر شد مسکن اصلی برای خود انتخاب کرد از آن پس به (الدانی) معروف شد .

ابو عمرو تالیفات و تصنیفات زیادی دارد . ذهبی و سیوطی شماره آثارش را تا ۱۲ ذکر کرده اند که در بین آنها همین کتاب (نقط) ارزش و اهمیت خاصی پیدا کرده است و موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست در فن نقطه گذاری و اعراب است . این کتاب پرفایده ترین و گرانبها ترین کتب عرب است و مخصوصاً در میان آثار ابو عمرو درخشندگی خاصی دارد این امتیاز و برجستگی یکی از آن جهت است که ابو عمرو الدانی تمام

کتابهایی را که تا زمان وی در این فن نوشته بودند دیده و با دقت خوانده است و اقوال مفید و پرنمسر را دست چین نموده و در کتاب خود نقل کرده است بنابراین کتاب او را باید جامع و ناسخ کتب قبل دانست. اهمیت دیگر این کتاب در اینست که کتاب‌های فن نقطه‌گذاری کم‌کم و به مرور ایام ضایع و تباه شده و موضوع آنها از خاطرها محو گردیده است خصوصاً اصول اولیه آن منسوخ و از آنها هیچ گونه اثری باقی نمانده است. بعضی از تحصیل‌کرده‌های معاصر پی به ارزش فن نقطه‌گذاری و اعراب و ثمرات آن برای فهم لغت عرب و کتابت آن نبرده‌اند و این عدم توجه بواسطه در دست نبودن کتابهایی است که در این فن نگارش یافته است و عده‌یی هم بزعم اینکه این بحث امری بیهوده و قلیل‌الجدوی و بی ارج است اصلاً بدان توجه نکرده‌اند. ولی باید گفته شود که فن نقطه‌گذاری و اعراب فنی پرفایده و سودمند است و رسالتی که بر عهده او گذاشته شده است خیلی خطیر و سنگین است زیرا با اصول علم نقطه‌گذاری و اعراب می‌توان پی به کیفیت پیدایش کتابت عربی و نحو آن برد و همچنین تاریخ‌طور و تحول آن زبان را در اعصار گذشته با همین علم می‌توان معلوم و مشخص کرد ازین جهت است که گفتیم کتاب ابوعمروالدانی ارزشی و اهمیت عظیمی در بر دارد.

بنابراین اهل لغت و نحو و همچنین آن دسته از کسانی که به کتابت در زبان نازی توجهی خاص دارند با خواندن این کتاب به مباحثی خواهند رسید که در راه تحصیل لغت و صرف و نحو عربی به آنان فوایدی کثیر می‌رساند و همین‌طور برای آن‌عده از دانشمندی که با اصلاح و تصحیح کتب مشغولند بسیار مفید است بالاخص برای قاریان قرآن کمک و ذخیره گرانبهایی خواهد بود و آنها را بسبک‌های مختلف نگارش قدیم آشنا می‌کند. باید دانست که فن نقطه‌گذاری در امکنه مختلف بطرق گوناگونی انجام می‌شده است مثلاً اهل مدینه رنگ قرمز را برای حرکات و سکون و تشدید و تخفیف بکار می‌برده‌اند و رنگ زرد را برای همزه. اما مردم عراق برای مشخص کردن حرکات و همزه و جز آن فقط رنگ قرمز را بکار می‌برده‌اند از همین جهت مصاحف اهل عراق از دیگر مردم باز شناخته می‌شود و گروهی از مردم کوفه و بصره گاهی حروف شاذ را در مصاحف داخل می‌نمودند و آنها را با رنگ‌های مختلف ممتاز می‌ساختند مثلاً قراءت صحیح و مشهور را بارتنگ سبز و قراءت شاذ و متروک را با رنگ قرمز علامت می‌گذاشتند اما این کار را جمعی از علما بر طبق احادیث مکروه شمرده و احتراز از آن را لازم دانسته‌اند مانند خبری که از احمد بن حنبل الانطاکی نقل کرده‌اند:

((ياك والحضره التي تكون في المصاحف فانه يكون لحن و خلاف للتاويل و حروف لم يقرء بها احد))

به‌ر هیئید از بکار بردن رنگ سبز در قرآن‌ها زیرا آن کار غلطی است و خلاف تاویل و کسی چنین حروفی را نخوانده است.

ابوعمرو گفته است که زشت‌تر و قبیح‌تر ازین آن کاری است که جمعی از قراء نادان مرتکب شده‌اند

چون حروف و قرآتهای مختلف را در يك مصحف گردآورده‌اند و هريك از حروف و قرائت را با رنگ سرخ و زرد و سبز و لاجوردی نوشته‌اند .

آنچه دلالت بر کراهت این امر می‌کند غیر از آنچه نقل شد خبر دیگری از احمد بن حنبل است که گفت در خدمت ابن عباس بودم که خواند (عباد الرحمن) و من پرسیدم در مصحف من (عند الرحمن) نوشته شده است گفت او را محو کن و بنویس (عباد الرحمن) . با اینکه ابن عباس می‌دانست که هردوی این قرائت را حضرت رسول (ص) تجویز کرده‌اند و هر دو طریق را صحابه بکار برده‌اند ولی او با بواسطه کثرت استعمال و بوجهت مسائل دیگر یکی را بر دیگری ترجیح داده و طریقه دیگر را رد کرده و حتی گفته است محو کنند .

اصلا (النقط) در اصطلاح این فن دو معنی نزدیک و متقارب دارد که یکی از آن نقطه‌گذاری حروف تهجی است مثل (ب ، ت ، ث) و امثال آن و دیگری نقطه‌گذاری به منظور نشان دادن وضع و موقعیت کلمات در جمله از لحاظ حرکات و اعراب . مثلا نقطه‌ای که نشان دهنده حرکت فتحه است روی حرف و آنکه برای علامت کسره است در زیر و آن نقطه‌ای که برای شناختن حرکت ضمه است جلوی حرف قرار می‌دهند . نقطه‌ای که برای ضبط حرکات و اعراب بکار می‌رفته است نیز دو قسم بوده . یکی نقطه مدور که این نوع را اهل قرائت برای ضبط حرکات و اعراب مصاحف به کار برده‌اند . واضح این نوع علامت را ابوالاسود دؤلی دانند .

نوع دوم از نقطه‌گذاری شکلی است که به آن شکل الشعر گویند . این همان است که اهل لغت و نحو آن را به کار برده‌اند و واضح آن خلیل بن احمد است این نوع دوم را که خلیل از روی شکل حروف ابداع کرد برای خواندن مصاحف بهتر از نوع اول است زیرا خواننده زود تر و آسان تر می‌تواند بخواند و بفهمد .

تازیان در کار نقطه‌گذاری از خط و زبان سریانی متأثر شده‌اند زیرا این قوم پیش از عربها در علم صرف و نحو مهارت و تسلط کامل داشتند و علاماتی برای ضبط حدود و موقعیت کلمات در زبان خویش وضع کردند و این کار از این جهت بود که مردم آن زمان در قرائت انجیل دچار «الحن» و خطا نگردند زیرا غلط خواندن قرآن گناهی عظیم شمرده می‌شده و مستلزم کفر و زندقده بوده است . عبریها هم از خط سریانی پیروی کردند و این روش را برای درست خواندن کتب دینی خود به کار بردند همچنین بهمین منظور بود که اعراب و نقطه‌گذاری در زبان عرب ابداع شد چون وقتی که دامنه قلمرو اسلام توسعه پیدا کرد و تازیان با ملل بیگانه اختلاط پیدا کردند و عوامل فساد در زبان عربی بیدار گشت و غلط در زبان فصحاء عرب بروز کرد و حوادثی روی داد که باعث بیداری و تنبیه آنان گردید و در صدد آن برآمدند که قرآن را از نادرستی و خطاهای احتمالی آینده مصون دارند .

از کسانی که جداً باین کار دست زد و برای درست خواندن مصاحف قدم‌بلندی برداشت زیاد بن‌سمیه والی بصره بود گرچه از روایات و اخبار چنین برمی‌آید که اولین کسانی که به نقطه‌گذاری مصاحف مبادرت کردند صحابه رسول و تابعین بوده‌اند چنانکه قتاده که خود از تابعین است گوید (ابدوا فنقطوا ثم خمسوا ثم عشروا) (۱) منتهی نقطه‌گذاری در آن زمان دارای نظام صحیحی نبوده زیرا اهل مدینه طریقه خودشان را در امر نقطه‌گذاری واگذار کردند و بروی مردم بصره یعنی ابی‌الاسود دؤلی عمل کردند این مطلب با پیروی کردن اهل مکه از طریقه بصریون نیز تأیید می‌شود زیرا اهل حجاز خود دارای روشی بوده‌اند که آن را ترک کرده‌اند .

این است نمونه‌یی از نوع نقطه‌گذاری مصاحف

انپنهذ خآبفین

اما نقطه‌گذاری در حروف تهجی :

از خلیل بن احمد روایت شده است که گفت الفبى نقطه‌است زیرا با حروف دیگر اشتباه نمیشود و.... (ف) هرگاه متصل نوشته‌شود يك نقطه روی آن می‌گذارند و اثر منفصل باشد بی نقطه خواهد بود زیرا در حال انفصال با حروف دیگر مشابهتی ندارد و (ق) وقتی متصل نوشته‌شود يك نقطه بر روی آن می‌گذارند و بعضی هم با دو نقطه می‌نویسند اما موقعی که جدا نوشته‌شود بی نقطه خواهد بود چون شکل او در این حالت از شکل (و) بزرگتر است و با (و) اشتباه نخواهد شد.

(ك) بی نقطه‌است چون که از دال بزرگتر است و (م) چون با حروف دیگر مشابهتی ندارد بی نقطه نوشته می‌شود و (ن) را در وقت اتصال يك نقطه روی آن می‌گذارند تا اینکه با حروف (ب، ت، ث) اشتباه نشود و هرگاه جدا نوشته‌شود بی نقطه خواهد بود و بواسطه بزرگی صورتش از نقطه بی نیاز است .

به (و) نقطه داده نمی‌شود زیرا کوچکتر از (ق) است و (ه) بی نقطه است زیرا مثل (و) به حرف دیگری شباهت ندارد. (ی) هرگاه متصل باشد زیر آن دو نقطه می‌گذارند تا از حروف دیگر باز شناخته‌شود ولی در حالت انفصال بی نقطه خواهد بود اما اینکه چرا نقطه (ب) را زیر آن قرار داده‌اند دلیلش این است که چون (ب) اولین حرف از حروف سه‌گانه‌ای است که مانند هم نوشته می‌شود و (ت) دوم و (ث) سوم آنهاست به‌اولی يك نقطه به دومی دو نقطه و به سومی سه نقطه داده‌اند و نقطه (ب) در طرف پایین برای اینست که (ب) حمل

نقطهٔ (ف) را در زیر آن قرار داده‌اند (لا) بی‌نقطه‌است ، اما کدام یک از دو طرفش الفاست ؟ و درموقع نقطه‌گذاری و اعراب وضع آن چگونه است؟ علماء در این باره اختلاف دارند خلیل بن احمد گفته‌است که طرف اول از دو شاخه (لا) همزه و دیگری لام است زیرا این کلمه در قدیم به شکل مخصوصی بوده‌است شبیه لا ولی بعدها این شکل را ثقیل و مکروه شمرده‌اند و طرف لام الف را بهم متصل کردند بطوری که دوسرش در جهت مخالف قرار گرفت ازین رو قدها آن را از طرف چپ می‌نوشتند و کسانی را که از دست راست کتابت می‌کردند بی‌اطلاع از فن نگارش می‌دانستند .

اما اخفش بعکس این عقیده گوید شاخه اول (ل) و شاخهٔ ثانی همزه‌است و استدلال کرده‌است براینکه ما وقتی (لا) را تلفظ می‌کنیم ابتدا (ل) را بزیان می‌آوریم و بعد همزه را پس بهتر است بگویم آنچه که در تلفظ بدان آغاز می‌شود در خط هم اول باشد. نظر اول را متقدمین مستدل‌تر میدانند تا نظر دوم و وقتیکه به منظور حرکات سه‌گانه نقطه‌گذاری کنند بدین قرار خواهد بود .

بر روی شاخه الف نقطه‌یی است که برای مد الف و همزه آتست و لام آن نیز ساکن است در مثل (الآخره)

و (للاکلین) که یک نقطه بر شاخهٔ اول قرار دارد و نقطهٔ دیگر در طرف چپ لام است این نقطه علامت نصب لام است در مثل (لایات) و (لامرثهم) .

نقطه‌ای در شاخه الف و نقطه‌ای در طرف راست آن است که علامت همزه و حرکت ناست مانند (ان

الملا) و (لاقمعن)

نقطه‌ای بر شاخه و الفاست که علامت مد و همزه‌است و نقطه‌ای که در ساقهٔ لام قرار دارد برای کسره

می‌باشد در مثل (لامدم) و مانند آن .

نقطه طرف لام برای فتحه و نقطه ساقه الف برای همزه مکسور است مانند (لا لی الله تحشرون)

یک نقطه برای همزه مضموم و دیگری برای فتحه لام است مانند (لاغونهم) و (لاقطن) .

لام الف دارای دو نقطه است که هر دو بر الف قرار دارند مانند (سببلا) و (قلبلا)

یکی ازین نقطه‌ها که پشت سر الف و طرف راست آن است برای همزه مفتوح و نقطه زیر لام برای کسر لام است مثل (لابیه) و (لاخیه) .

یک نقطه برای فتحه لام و دیگری برای همزه است در مثل (لاتنم) و (لاجدن) .

این دو نقطه در ساقه قرار دارد مانند: (لاخوانهم) و (لابراهیم) و (لابلف قریش) .

نقطه زیر لام برای کسره و نقطه جلو الف برای همزه آنست در مثل (لاولی النهی) و (لاولی الالباب)

این نقطه که در طرف راست است علامت همزه غیر ممدوده است و لام قبل آن ساکن است مثل (الارض)

و (الامر) و (الانهار) .

کتاب المحکم فی النقط المصاحف به سال ۱۳۷۹ هـ = ۱۹۶۰ م در بیروت چاپ شده است و علاقه‌مندان

می‌توانند با مراجعه به آن بیشتر و کامل‌تر استفاده کنند .